

## A Critical Review of the Book “*Conjugation 2*” with a Descriptive Analysis Approach

Zohreh Ghorbani Madavani\*

### Abstract

Textbook criticism is of great importance and status. The book “*Conjugation 2*”, written by Ahmad Pashazanoos, while addressing issues related to the name, has tried with exercises at the end of each lesson to provide the audience with the opportunity to explore the material presented in practice. This book is a continuation of the book “*Conjugation 1*” by the same author. The present article critiques the two levels of form and content of this book by descriptive-analytical method and relying on the descriptive analysis approach. All the strengths and weaknesses of the book in the two areas of form, content and mistakes of the author have been pointed out by presenting documents and examples of the book. Finally, in general, this book can be called a scientific package that tries to provide inflectional content by deductive method (mentioning the rule and then providing an example witness) and the role of meaning and subtle semantic differences in different inflectional forms are insignificant.

**Keywords:** Conjugation 2, Noun Rules, Arabic Linguistics, Content Analysis, Curriculum

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

---

\* Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran,  
zghorbani@atu.ac.ir

Date received: 14/08/2020, Date of acceptance: 16/03/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## بررسی انتقادی کتاب صرف ۲ با رویکرد تحلیل توصیفی

زهره قربانی مادوانی\*

### چکیده

نقد کتاب‌های درسی، از اهمیت و جایگاه والائی برخوردار است. کتاب صرف «۲» نوشته احمد پاشازانوس، عضو هیئت علمی زبان و ادبیات عربی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، ضمن پرداختن به مسائلی پیرامون اسم، سعی کرده است با آوردن تمرینی در پایان هر درس، برای مخاطب این امکان را فراهم کند که مطالب ارائه شده در درس را به صورت عملی در تمرین برای خود حل‌جلی و مورد کنکاش قرار دهد. این کتاب در ادامه کتاب «الصرف ۱» از همین نویسنده است. نوشتار حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با اتکا به رویکرد تحلیل توصیفی، دو سطح شکل و محتوای این کتاب را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد. به تمام نقاط قوت و ضعف کتاب در دو حیطه شکل و محتوا و اشتباهات مرلف با ارائه مستندات و نمونه‌های کتاب اشاره شده است و در آخر به صورت کلی می‌توان این کتاب را یک بسته علمی نامید که به روش قیاسی (ذکر قاعده سپس ارائه شاهد مثال) سعی در ارائه محتوای صرفی دارد و نقش معنی و تفاوت‌های ظریف معنایی موجود در قالب‌های مختلف صرفی در آن کم‌رنگ است.

**کلیدواژه‌ها:** صرف ۲، قواعد اسم، زبان‌شناختی عربی، تحلیل محتوا، برنامه درسی

### ۱. مقدمه

برای نقد از جهات مختلف انواعی ذکر شده است از جمله نقد صوری و غیر صوری. نقد صوری؛ یعنی بررسی خوب و بد امور ظاهری یک اثر مانند کاربرد الفاظ، درستی اشتقاق، صحت جملات از نظر دستوری و صرف و نحو، کیفیت فصل‌بندی و تقسیمات

\* استادیار زبان و ادبیات عربی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، zghorbani@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۶

کتاب، میزان بی‌غلط بودن از نظر غلط‌های چاپی، غلط‌های ساختاری، غلط‌های نویسنده، چگونگی اشکال و تصاویر و ... اما نقد غیر صوری، شامل نقد محتوایی، نقد اعتقادی، نقد اخلاقی، نقد سبکی، نقد تطبیقی، نقد تاریخی و نقد علمی می‌شود. (ذاکری، ۱۳۸۸: ۱۵۸) در این نوشتار در کنار نقد صوری کتاب صرف ۲، نقد محتوایی و علمی نیز صورت می‌گیرد. یک نقد سازنده و منصفانه نتایج ارزنده‌ای خواهد داشت؛ به نویسنده کمک می‌کند تا ایرادات و پیشنهادات مطرح شده را در نوشته‌های خود مراعات کند و کاری بی‌نقص و درست به جامعه خوانندگان ارائه دهد.

## ۱.۱ اهمیت و ضرورت پژوهش

در کنار اهمیتی که نقد و نقادی در حوزه علم و معرفت دارد باید اعتراف کرد که یکی از مشکلاتی که دانش‌آموزان و دانشجویان زبان عربی با آن روبه‌رو هستند، بحث فراگیری قواعد صرف و نحو این زبان است از این رو دغدغه بسیاری از صاحب‌نظران و نویسندگان این حوزه این شد که به نگارش قواعد عربی به زبانی ساده و با روشی کارآمد پردازند تا از یک سو تفهیم مطالب به فراگیر آسان گردد و از سوی دیگر انگیزه آن فراگیران بیشتر و بیشتر شود از این رو نقد کتاب‌هایی این حوزه هم به نویسنده و هم به دیگر صاحب‌نظران کمک می‌کند تا به آن مهم دست یابند و در صدد رفع مشکلات کتاب‌های حوزه صرف و نحو برآیند.

## ۲.۱ هدف نوشتار

هدف این نوشتار، بررسی شکل و محتوای این کتاب است در نتیجه مهمترین پرسش و مسأله‌ای که در این زمینه مطرح می‌شود این است که کیفیت اثر حاضر از لحاظ شکل و محتوا چیست؟

فرضیه‌ایی که برای این پرسش می‌توان نوشت این است که بیشتر کتاب‌های صرفی و نحوی از جمله این کتاب، از لحاظ شکل و محتوا در راستای پاسخ به پرسش اصلی بیشتر دانشجویان زبان و ادبیات عربی نیست؛ این پرسش که هدف از این همه قواعد بی‌کاربرد و تکراری چیست؟

### ۳.۱ روش نوشتار

روش این مقاله، توصیفی-تحلیلی است بدین صورت که پس از معرفی اثر به بیان نقاط قوت و کاستی‌های آن در دو حوزه شکل و محتوا می‌پردازد و در آخر پیشنهاداتی برای بهتر شدن کیفیت کتاب ارائه می‌دهد.

### ۴.۱ پیشینه تحقیق

درباره پیشینه تحقیق باید گفت که تاکنون هیچ نقدی بر این کتاب صورت نگرفته است. اما کتاب‌ها و مقالاتی که در حوزه صرف به نگارش در آمده‌اند عبارت‌اند از:

کتاب «التطبیق الصرفی» (۲۰۰۹) از عبده الراجحی: از ویژگی‌های بارز این کتاب آوردن مشتقات در بخش فعل، تمارین کم و خارج از جمله و متن، نداشتن نظم منطقی در پرداختن به مباحث، عدم رعایت نظم و منطق در ترتیب عناوین دروس، نپرداختن به همه مباحث صرفی مثل انواع تنوین، اسم منصرف و غیر منصرف و ... می‌باشد.

کتاب «تیسیر الصرف» (۲۰۱۶) از عبدالقادر فیضی و عبدالله دارمی: روش این دو نویسنده در بیان قواعد، استنباطی است و به تبعیت از کتاب «النحو الواضح» صورت گرفته است. بدین معنا که نویسندگان، در ابتدا مثال‌های بسیاری آورده‌اند سپس به بیان قواعد با تکیه بر آن مثال‌ها پرداخته‌اند و در پایان تمارین فراوانی نیز آمده است.

کتاب «الصرف العربی، أحكام و معان» (۲۰۱۳) از فاضل صالح السامرائی: از کاستی‌های این کتاب عدم نظم و منطق در ترتیب دروس، حذف اسم تفضیل از انواع مشتق و نبود تمرین است اما نکته بارز آن، اشاره به برخی ظرافت‌های معنایی در کنار ساختارهای صرفی است.

کتاب «صرف کاربردی، آموزش پیشرفته دانش صرف» (۱۳۹۵): از عبدالرسول کشمیری: مباحث صرفی در این کتاب در دو جلد و مشتمل بر هفت شهر که هر یک از این شهرها چند حدیقه نیز در بردارند، آمده است. از ویژگی‌های این کتاب می‌توان به مواردی چون ارائه تمارین تشریحی و تستی از قرآن کریم و احادیث، طراحی نمودارها و جدول‌ها با ارائه نکات مهم درسی، بررسی و تحلیل مقایسه‌ای آیات و ... اشاره کرد. نویسندگان بر این باور است که با جمع‌آوری شاهد مثال‌هایی از دستور زبان فارسی توانسته است آموزش این علم را برای فرا آموزان تسهیل کند. اما به نظر می‌آید دلایل و شاهد مثال‌هایی که از

زبان فارسی ذکر می‌کند تنها سلیقه‌ای و با نگاهی متفاوت است برای نمونه آنچه در بخش اعلال ذکر کرده است در ارتباط مستقیم با قواعد اعلال نیست و تنها به مخاطب نشان داده می‌شود که موضوع اعلال و تغییر در هر دستور زبانی قابل رهیافت است. بنابراین ذکر آن قواعد در بیشتر موارد نه تنها به فرا آموز کمک نمی‌کند بلکه یادگیری مطالب جدیدی نیز بر او تحمیل می‌شود.

کتاب سامرائی و کشمیری علاوه بر جنبه آموزشی، به جنبه پژوهشی علم صرف نیز همت گمارده‌اند. بنابراین این دو کتاب صبغه پژوهشی نیز دارند. در کتاب کشمیری به کرات با شاهد مثال‌هایش و اشاره به تفاوت‌های معنایی توانسته است به نقش علم صرف در تفسیر قرآن کمک شایانی کند. رویکرد کتاب کشمیری رویکرد رشدگرا و خودشکوفایی است و این امر از طریق طرح مباحثه‌ها در پایان هر درس میسر شده است. باتوجه به این موضوع که مهمترین ایراد وارده به بیشتر کتاب‌های صرفی، عدم نیازسنجی آنهاست تا بر اساس آن به ضرورت‌ها، نقص‌های فراگیران و علایق آنان پرداخته شود. اما کتاب سامرائی و کشمیری تا حد زیادی در این نیازسنجی موفق بوده‌اند؛ چرا که به ضرورت کاربرد این علم با ارائه شاهد مثال‌ها و بیان تفاوت‌ها، اشاره کرده‌اند. البته کتاب سامرائی در زمینه تمارین نقش بسیار کم‌رنگی دارد.

از دیگر امتیازات کتاب کشمیری محتوای تکلیف‌محور است؛ بدین صورت که برای انجام آن تکالیف، فراگیر باید مباحث و قواعدی رو در نظر بگیرد که از قبل تعیین شده و پیش‌بینی شده نیست. همچنین این کتاب، فراگیر محور است و این امر از طریق ذکر نکات مهم صرفی به صورت نمودار و به زبانی ساده، میسر شده است. تکالیف کافی برای خود یادگیری و تمرین در خارج از کلاس دارد و روحیه گروهی و فعالیت مشارکتی فراگیران را تقویت می‌بخشد؛ آنچه که در بین دانشجویان رشته عربی بسیار پایین است.

بنابراین دیدگاه این دو نویسنده به صرف، برخلاف دیگر نویسندگان این است که این علم نیز به مانند دیگر علوم می‌تواند در فهم دقیق متون دینی بسیار راه‌گشا باشد و تنها به دنیال مطرح کردن موضوعات و مطالب صرفی خشک و بی‌کاربرد نیستند بلکه کاربردی بودن این علم، بیش از مطرح کردن قواعدش اهمیت دارد. اما این کتاب تنها به مطرح کردن قواعد اهتمام ورزیده است.

کتاب «آموزش صرف عربی» (۱۳۹۵) از عبدالهادی فقهی‌زاده: مهمترین نقدی که به این کتاب وارد می‌شود این است که تمارین درس‌ها، همه مطالب و نکات کتاب را

پوشش نمی‌دهد. همچنین محتوا با سطح علمی دانشجویان رشته الهیات و علوم قرآن تناسب ندارد.

مقاله «الصرف ۱ در ترازوی نقد» (۱۳۹۴) به قلم وصال میمنندی و نعیمه خبازی اشرف: نویسندگان در این مقاله کتاب «الصرف ۱» از احمد پاشازانوس که به مبحث فعل مرتبط است را از نظر شکل و محتوا مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که نباید به بهانه تسهیل امر آموزش، مطالب به شکل نادرستی بیان شود و همچنین استفاده از تمارین متعدد و متنوع و کاربرد جدول در تفهیم و تعمیق مباحث آموزشی از جمله صرف تأثیر بسزایی دارد.

بنابراین نقدی که به بیشتر این کتاب‌های صرفی وارد می‌شود این است که یا تمرین کافی ندارند و یا بعضاً تمارینشان خارج از جمله و متن است و کتاب «صرف ۲» نیز از این امر مستثنا نمی‌باشد و رویکرد آموزش قواعد خارج از متن دارد اما نویسنده در این کتاب تا حد ممکن از ارائه مثال‌های قدیمی و بی‌روح اجتناب نموده و از مثال‌های کاربردی استفاده کرده است. همچنین نظم منطقی در ترتیب دروس دارد.

این کتاب به مفسر و پژوهشگران و مفسران قرآنی، در تشخیص و شناخت هیئت کلمات کمک می‌کند اما در درک معنای دقیق آن‌ها کمک چندانی نمی‌کند. با توجه به اینکه محتوای اغلب کتاب‌های صرفی، موضوعی است یعنی آموزش اطلاعات و مطالب صرفی است. در این خصوص بسامد قواعد از اهمیت والائی برخوردار است و باید تمارین متنوع فراوانی آورده شود تا از یک سو به فراگیر در یادگرفتن قواعد کمک کند و از سوی دیگر باعث جذابیت و خلاقیت او نیز شود. اما متأسفانه این کتاب، از تمارین کافی و متنوع برخوردار نیست. در ضمن این کتاب، مدرس محور است و زمینه فعال‌شدن فراگیر فراهم نمی‌کند و به نوعی نقش فراگیر در این کتاب، در فرایند آموزش کمرنگ است.

## ۲. ماده پژوهش

### ۱.۲ نویسنده و آثار وی

احمد پاشا زانوس دانشیار و عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین می‌باشد. تخصص‌شان بلاغت، صرف و نحو و متون قدیم است و در همین راستا در حوزه صرف، دو جلد کتاب نوشته است. جلد اول با عنوان

الصرف «۱» مربوط به فعل و مسائل تحلیل صرفی آن است و جلد دوم کتاب «صرف ۲» بیشتر مربوط به قواعد اسم است.

## ۲.۲ معرفی کتاب

کتاب صرف ۲ مربوط به علم صرف، یکی از علوم اصلی زبان و ادبیات عربی است. مباحث مربوط به تحلیل صرفی اسم و حرف را در بر می‌گیرد و تمامی آن مباحث در ۲۴ درس در قطع وزیری توسط انتشارات پیام نور جمع شده است. فهرست تفصیلی کتاب که حاوی تمامی عناوین اصلی و فرعی می‌باشد در آغاز کتاب در ۸ صفحه آمده است.

در آغاز هر درس اهداف به صورت کلی و آنچه از مخاطب انتظار می‌رود، ذکر شده است سپس توضیح قواعد و در پایان به تفکیک، تمرینی به صورت تشریحی و تستی آمده است. دو درس پایانی سؤال تستی ندارد و جواب تمامی آن سؤالات به صورت یکجا در پایان کتاب آمده است.

تعداد صفحات کتاب به غیر از فهرست و مقدمه ۲۳۰ صفحه می‌باشد و در دو صفحه آخر تعداد ۴۲ مصدر و مأخذ که نویسنده محترم از آنها استفاده کرده، آمده است.

نام کتاب	مؤلف / مترجم	ویراستار	نوبت چاپ	ناشر	سال نشر	محل نشر	قیمت کتاب
صرف ۲	دکتر احمد پاشا زانوس	دکتر مصطفی جوانرودی	اول	دانشگاه پیام نور	۱۳۹۴	تهران	۶۱۰۰

اما موضوعات مطرح شده در این ۲۴ درس بدین شرح است: **درس اول:** اسم و وزن‌های آن؛ **درس دوم:** متصرف و غیر متصرف و بحث درباره موضوعاتی چون مثنی، تقسیم اسم از نظر حرف آخر؛ **درس سوم:** جمع و موضوعاتی چون اسم جمع و انواع آن، شروط جمع مذکر سالم، کیفیت جمع بستن اسم مقصور و منقوص؛ **درس چهارم:** جمع مکسر، وزن و انواع آن و صیغه منتهی الجموع؛ **درس پنجم:** تصغیر، شروط آن، کیفیت مصغر کردن اسم ثلاثی، رباعی، ترکیب مزجی، اضافی، و...؛ **درس ششم:** اسم منسوب و قواعد آن؛ **درس هفتم:** مذکر و مؤنث، انواع آن، علامت و ویژگی‌های آن؛ **درس هشتم:** جامد و مشتق، انواع آن، اسم فاعل و مبالغه؛ **درس نهم:** اسم مفعول و صفت مشبیه، ساختار آنها و وجه تشابه مشبیه و اسم فاعل؛ **درس دهم:** اسم تفضیل،



کیفیت ساختن آن و کاربردش؛ درس یازدهم: اسم زمان و مکان و آلت و چگونگی ساختن آن‌ها؛ درس دوازدهم: نکره و معرفه، انواع آن، ضمیر و اقسام ضمیر؛ درس سیزدهم: علم و بحث مفصلی درباره انواع آن؛ درس چهاردهم: اسم اشاره و موصول، انواع آن، صله و عائد و موارد حذف صله؛ درس پانزدهم: معرف ب«ال» و معرف به اضافه، انواع «ال»؛ درس شانزدهم: معرب و مبنی و انواع آن‌ها؛ درس هفدهم: منصرف و غیرمنصرف، دلایل غیرمنصرف و علامت اعراب آن؛ درس هجدهم: تقسیم‌بندی اسم از نظر حرف آخر (صحیح‌الآخر، شبه صحیح‌الآخر، مقصور، منقوص، ممدود)؛ درس نوزدهم: مباحث مشترک بین دو علم صرف و نحو و بحث درباره موضوعاتی چون اسم شرط، استفهام؛ درس بیستم: ظرف و کنایه و تقسیم‌بندی آنها؛ درس بیست و یکم: عدد اصلی و ترتیبی، انواع آن‌ها و احکام عدد و معدود؛ درس بیست و دوم: حرف و برشمردن حرفی که به اسم یا فعل و یا مشترک بین آن دو است؛ درس بیست و سوم: پیوست یک حرف که به موضوعاتی چون الف و واو زائد، آنچه نوشته می‌شود و خوانده نمی‌شود و یا خوانده می‌شود و نوشته نمی‌شود، اختصاص دارد؛ درس بیست و چهارم: پیوست دوم صرف: که به موضوعاتی چون وقف، اسکان، ابدال، تضعیف، اشتقاق و انواع آن پرداخته است.

مؤلف در بیان قواعد کتاب، از روش قیاسی استفاده کرده است بدین معنا که ابتدا قاعده را ذکر می‌کند سپس شاهد مثال‌های ساده و معمولی به کار می‌برد. مثال‌هایی که در بیشتر موارد، خارج از جمله و عبارت است. هدف از نوشتن این کتاب به اقرار خود نویسنده در مقدمه (ص ۱۳) تا حد ممکن پر کردن خلأ و شکاف موجود در آموزش علم صرف در محافل علمی، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه است.

### ۳. بخش نظری: تحلیل محتوا

اواسط سده بیستم میلادی برلسون، تحلیل محتوا را به عنوان یک علم با ویژگی‌های منحصر به فرد و متمایز از سایر روش‌ها تعریف نمود. او تحلیل محتوا را روشی برای توصیف عینی، کمی و قاعده‌مند محتوای آشکار ارتباطات مطرح کرد. (جمالی‌فر و حائری: ۲۷) و به اعتقاد چاوا این روش، روشی تحقیقی است برای گرفتن نتایج معتبر و قابل تکرار از داده‌های استخراج شده از متن. (رایف و دیگران ۱۳۸۵: ۲۳) در واقع تحلیل محتوا هرفنی است که به کمک آن، ویژگی‌های خاص پیام‌ها را به طور نظام‌یافته و عینی مورد

شناسائی قرار می‌دهند (چاوا فرانکفورد ۱۳۸۱: ۴۶۹) و در یک تعریف کامل می‌توان آن را فرایند نظامند شناسایی، طبقه‌بندی، تبیین، تفسیر، استنباط، استخراج پیام‌ها و نمادها، آثار و مفاهیم پیدا و پنهان در متون نوشتاری، رسانه‌ها، و سایر مجموعه‌های مورد نظر بر اساس روش‌های کمی و کیفی معرفی کرد. (معروفی و یوسف‌زاده ۱۳۸۸: ۱۵)

برنارد برلسون در سال ۱۹۵۲ پنج هدف عمده را برای تحلیل محتوا مشخص کرد که عبارتند از: توصیف ویژگی‌های اصلی محتوای پیام، توصیف ویژگی‌های شکلی محتوای پیام، استنباط مفاهیم مورد نظر تهیه‌کنندگان محتوا، استنباط برداشت مخاطبان پیام، پیش‌بینی اثرات محتوا بر مخاطبان. (قائدی و گلشنی ۱۳۹۵: ۶۵)

پینگل نیز معتقد است برای روش تحلیل محتوا دو رویکرد کلی وجود دارد؛ رویکرد کمی و دیگری رویکرد کیفی. در رویکرد کمی، با استفاده از محاسبه فراوانی و تعداد وقوع کلمات، اسامی و فضای اختصاص داده شده، موضوع مربوطه رو مورد تحلیل قرار می‌دهیم. اما در روش کیفی، تحلیل عمقی، بیش از حجم تحلیل مورد توجه است. (معروفی و یوسف‌زاده ۱۳۸۸: ۶۵) و بر یک دیدگاه فلسفی تفسیرگرایانه، مبتنی است و توجه آن به چگونگی تفسیر، درک، تجربه، و به وجود آمدن جهان اجتماعی معطوف است. در این روش بر درک عمیق، پیچیدگی، جزئیات و بافت پدیده‌ها تأکید می‌شود. (پاشا شریفی و شریفی ۱۳۸۳: ۲۷۰)

همچنین برای این روش، سه شکل کلی مطرح شده است که عبارتند از توصیفی، استنباطی و ارتباطی. (جمالی‌فر و قزوینی: ۲۷) اما تحلیل محتوای توصیفی که بر اساس تعریف برنارد برلسون و لازار سفلد ساخته شده، یک روش تحلیل بعد از وقوع است یعنی توصیف کمی محتوای بارز یک متن است. این بررسی هم توصیف نحوی (سبک و ساختار) و هم مفهوم‌شناسی یا تحلیل موضوعی یک متن را در بر می‌گیرد. (اتسلندر ۱۳۷۱: ۶۹)

به طور کلی در شاخص‌های ارزیابی، اختصار و روانی در تنظیم کتاب، سهولت در فهم مباحث آن، تناسب حجم کتاب با نیازهای مخاطبان، طرح درست مباحث و مطالب بدون کمترین شبهه و ابهام، اختصار به جای تفصیل و توضیحات و .. مورد بررسی قرار می‌گیرد. (عبداللهیان و آزاد ارمکی ۱۳۹۴: ۶-۱۲)

اما شاخص‌های ارزیابی کتاب درسی عبارت است از محتوایی، زبانی، روشی، ساختاری و ظاهری که در ارزیابی محتوایی مسائلی چون: روزآمدی، جامعیت، مرتبط بودن مطالب

بررسی انتقادی کتاب صرف ۲ با رویکرد تحلیل توصیفی (زهرة قربانی مادوانی) ۳۷۵

کتاب درسی، با سایر دروس وابسته، وجود تناسب میان حجم اطلاعات اصلی و حجم اطلاعات جنبی و ... مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. (رضی ۱۳۸۸: ۲۲-۲۴)

### ۱.۳ کاربردهای تحلیل محتوای کتب درسی

تحلیل محتوا، کاربرد متنوعی دارد که یکی از آنها، تحلیل محتوای کتاب‌های درسی می‌باشد. این تحلیل کمک می‌کند تا مفاهیم، اصول، نگرش‌ها، باورها و همه اجزای مطرح شده در قالب دروس کتاب، مقایسه و ارزشیابی شوند. البته تحلیل محتوای کتاب درسی تنها به معنای تحلیل متن و نوشتار کتاب نیست، بلکه تحلیل می‌تواند سایر اجزای کتاب همچون تصاویر، جداول، پرسش‌ها و .. را نیز در برگیرد. (نیک‌منش و علی‌آبادی ۱۳۹۲: ۱۳۲)

### ۲.۳ عوامل تحلیل محتوای کتب درسی

در یک نگاه نظام‌مند می‌توان کتاب درسی را از دو منظر درونی و بیرونی مورد توجه قرار داد. عامل درونی بر ظاهر و همچنین محتوای کتاب تأکید دارد و عامل بیرونی بر ارتباط و هم‌خوانی کتاب درسی، با کتاب‌های دیگر در همان پایه، و رابطه یک عنوان درسی با همان عنوان در پایه‌های قبلی و بعد مطالعه می‌شود. (نیک‌منش و علی‌آبادی ۱۳۹۲: ۱۳۵) در بعد درونی که هم ظاهر و هم محتوا مورد توجه است. در جنبه ظاهر مسائلی جلد، صفحات، تصاویر، متن و .. مورد مطالعه قرار می‌گیرد و اساسی‌ترین بُعد، تحلیل محتوای کتاب درسی است که در این مقاله سعی می‌شود با استفاده از این روش، کتاب صرف «۲» مورد ارزیابی و تحلیل واقع شود.

## ۴. بررسی انتقادی کتاب

### ۱.۴ بررسی ابعاد شکلی اثر

همه منتقدان و صاحب‌نظران بر این امر واقف‌اند که بررسی شکلی هر اثر از درجه اهمیت کمتری برخوردار است اما از آنجا که شکل هر کتاب به مثابه لباسی برای آن است و حفظ لباس و ظاهر مناسب، درخور اهمیت است لذا بحث شکل نیز مهم تلقی می‌گردد.

#### ۱.۱.۴ نقاط قوت

- طرح جلد

از آنجایی که جلد هر کتاب یک آیتم بسیار با اهمیت است این کتاب با ذکر عناوین توانسته است محتوای داخل کتاب را به صورت بصری به مخاطب منتقل کند.

- حروف‌نگاری

منابع و مصادر که در حروف‌نگاری باید به صورت نازک بیابند در این کتاب به خوبی رعایت شده است و نوع فونت پاورقی‌ها نسبت به متن ریزتر و مناسبتر است و برای تیتراها و عنوان‌های اصلی، نیز شماره فونت مناسب و درشت‌تر از متن اصلی انتخاب شده است.

- صفحه‌آرایی

در مورد صفحه‌آرایی کتاب باید گفته شود که استفاده از bold و ذکر عناوین درس‌ها در تمامی صفحات، رعایت فاصله مناسب بین خطوط و ایجاد فاصله مناسب از بالا و پایین صفحه از نقاط قوت آن به حساب می‌آید. همچنین نظم در قرار گرفتن عنوان درس‌ها در قسمت میانی بالای صفحه و شماره صفحات در سر صفحه و انتخاب فونت عربی، راست‌چین آمدن صفحات زوج و چپ‌چین آمدن صفحات فرد، شروع درس‌ها از صفحه فرد، نگارش عنوان کتاب با خط درشت و استفاده از bold در روی جلد از دیگر امتیازات صفحه‌آرایی این کتاب شمرده می‌شود.

- کیفیت چاپ

کیفیت چاپ کتاب عالی است. در صفحات لکه و یا نقاط سفیدرنگ دیده نمی‌شود و رنگ تمام صفحات یکنواخت است. چاپ، کج و یا موج‌دار نیست و پخش‌شدگی جوهر نیز در صفحات مشاهده نمی‌شود.

- صحافی

جلد از استحکام لازم برخوردار است و برای استحکام بیشتر، علاوه بر عطف، از بغل نیز طبق اصول چاپ، چسب خورده است.

- مؤلفه‌های جامعیت صوری

از جمله نقاط قوت در این زمینه، بیان هدف نویسنده در مقدمه، بیان اهداف کلی هر درس به صورت جداگانه، قرار دادن تمرین چه تستی و چه تشریحی در پایان هر درس، فهرست عناوین کلی و فرعی مطالب در آغاز کتاب می‌باشد.

#### ۲.۱.۴ کاستی‌ها

کتاب حاضر علی‌رغم تلاش‌های نویسنده و ناشر در زمینه شکلی، همچنان دارای نواقصی می‌باشد که از نقطه‌نظر آنها دورمانده است و امید می‌رود در چاپ‌های بعدی اصلاح گردد.

##### - صفحه‌آرایی

در مورد نقاط ضعف آن باید گفت که به جز استفاده از bold از عناصر بصری و نشانه‌های دیگر مثل جدول و نمودار و ... استفاده نشده است تا به خواننده در سهولت خواندن و ایجاد انگیزه بیشتر برای مطالعه کمک کند و در برخی صفحات، مطالب به گونه‌ای پشت‌سرهم آمده است که بیشتر یک کتاب تاریخی و یا یک رمان را تداعی می‌کند تا یک کتاب صرفی. همچنین تراز نبودن خطوط به ویژه در جواب تمارین، bold نکردن شماره‌ها در برخی صفحات و منظم نبودن آن، از دیگر مشکلات صفحه‌آرایی این کتاب به‌شمار می‌رود.

##### - قواعد عمومی نگارش و ویرایش

به ناچار هر بحث علمی باید قواعد املا و نگارش را رعایت کند؛ چرا که فراگیر اگر از سلامت علمی نوشته اطمینان حاصل نکند، نسبت به کتاب بی‌رغبت خواهد شد. (شلبلی ۱۹۷۴: ۸۲) از این رو اصلاح اشتباهات لغوی و چاپی برای تکمیل یک نوشتار به شکل علمی امری ضروری است که مسؤولیت این کار بر عهده محقق است. (ابوسلیمان ۱۳۸۷: ۱۴۸)

##### - اشکالات نگارشی

کاربرد «بتفصیلات» به جای «بتفصیل» ص ۷۴ پاورقی شماره ۴، عدم کاربرد حرف جر «الی» با کلمه «انقسام» ص ۱۰۸ سطر آخر، آشفتگی در به کارگیری «گیومه»، «ویرگول»، «پرانتز»، «نقطه» و bold. و...

##### - اغلاط نحوی

استخدام جمله شرطیه در جایگاه صله: ص ۵ سطر ۷، ص ۵۰ سطر ۲، شماره ۳ ص ۱۲۳، ص ۱۹۰ شماره ۶، ص ۶ قسمت أ و ب؛ ص ۱۰۶ در جمله «هند محبوسه» ضمیر «هی» نائب‌فاعل است نه فاعل؛ ص ۱۶۲ پاورقی شماره ۴ سطر ۳ «إذ» به جمله اضافه می‌شود پس باید تنوین آن عوض از جمله خواننده شود نه عوض از کلمه «روح».

#### - اغلاط صرفی

ص ۶۳ سطر ۵ فتی و فتاة مشتق هستند نه جامد، ص ۹۸ سؤال ۱۴ معتدل القامة صفة مشبیه نیست بلکه اسم الفاعل به معنای صفة مشبیه است. همچنین سؤال ۱۵ و ۱۶، ص ۱۰۲ سطر ۶ کلمه «من» و سطر ۷ «ما» موصول و معرفه شمرده می‌شوند و نکره به حساب نمی‌آیند، ص ۱۳۶ سطر ۱ نویسنده کتاب بر این باور است که «البناء علی الکسر و الضم لا یكون فی الفعل» مثال نقضی که برای آن آورده می‌شود، به طور مثال «ذهبوا» است که مبنی بر ضم می‌باشد، ص ۱۴۵ پاورقی شماره ۱ نویسنده کتاب کلمه «آخری» را منصرف شمرده است. در حالی که به علت الف تأنیثش، غیر منصرف است، ص ۲۱۸ الدرس التاسع عشر کلمه «العدو» به عنوان موصوف است نه صفت، در برخی قسمت‌های کتاب «ال» همزه قطع دارد که باید یک دست شود (همزه ال، وصل است)،

#### - کاستی‌ها و اغلاط بخش تمارین

ص ۱۴ التمرین الثانی در قسمت جواب‌ها نیامده است، ص ۳۸ تست شماره ۱۰ هر چهار گزینه درست می‌باشد، ص ۴۷ التمرین الأول کلمه «أنا» مبنی است و مصغر نمی‌شود لذا باید از صورت سؤال حذف شود، ص ۴۸ تست شماره ۱۰ همه گزینه‌ها صحیح می‌باشند، ص ۵۵ تست شماره ۹ جواب گزینه ا انتخاب شده است در حالی که هیچ یک از گزینه‌ها جواب نیستند و صورت صحیح نسبت آن کلمات به ترتیب المصطفی، الرحوی، الذکروی (الذکری) می‌باشد، ص ۹۶ التمرین الثالث مبحث جامد و مشتق در داخل پراوتر، زائد است، ص ۹۶ تست شماره ۱ قسمت ا به عنوان جواب انتخاب شده است در حالی که قسمت ب نیز درست است.

#### ۵. بررسی محتوایی اثر

مباحثی که در بخش محتوا مورد بررسی قرار می‌گیرند عبارتند از:

**الف:** نظم منطقی و انسجام مطالب: در این بخش به تسلسل عناوین کلی و جزئی اثر و نظم منطقی بین آنها دقت می‌شود.

**ب:** منابع: در این قسمت به میزان اعتبار منابع، به کارگیری منابع جدید و موجود، میزان دقت در ارجاعات، کیفیت رعایت امانت پرداخته می‌شود.

**ج:** کیفیت تجزیه و تحلیل و بررسی علمی مسائل

- د. میزان دقت در کاربرد اصطلاحات تخصصی
- ه. نوآوری و نظریه علمی
- و. نحوه به کارگیری مؤلفه‌های صوری برای تفهیم موضوع
- ز. میزان سازواری محتوای علمی با فرهنگ اسلامی و پاسخ به فضای علمی جامعه
- ح: میزان انطباق و جامعیت اثر

### ۱.۵ نظم منطقی و انسجام مطالب

موضوعات کلی این کتاب از نظم منطقی برخوردار است و نشان می‌دهد که نویسنده محترم بر اساس یک چارچوب کلی، مطالب درس‌ها را آورده است و با یک تغییر جزئی نظم و انسجام مطالب بهتر نیز خواهد شد و در یادگیری و تثبیت مطالب در ذهن مخاطب کمک بسیاری خواهد کرد. اینکه درس ۵ و ۶ (تصغیر و نسبت) بعد از جامد و مشتق بیاید به این علت که تصغیر و نسبت از جمله مواردی هستند که می‌توانند مؤول به مشتق شوند از این رو بهتر است پس از آن ذکر شود؛ درس ۱۸ (صحیح الآخر، مقصور، ممدود و منقوص) قبل از درس ۱۷ (منصرف و غیرمنصرف) و بعد از معرب و مبنی بیاید؛ چرا که اقسام اسم از نظر حرف آخر از زیر مجموعه‌های اسم معرب است لذا بهتر است پس از آن ذکر شود تا در یادگیری و به ذهن سپردن و همچنین در رعایت ترتیب تحلیل صرفی به فراگیر کمک کند.

**عناوین فرعی** دارای نظم و انسجام هستند و بر اساس ترتیب خاصی به چینش درآمده‌اند. به فرض در درس مشتق ابتدا تعریف آن، مراد از اشتقاق و انواع آن آمده است سپس به توضیح هر کدام از آن انواع به صورت جداگانه پرداخته شده است. این چینش و نظم در تمامی دروس رعایت شده است و تنها چند مورد تغییر جزئی در عنوان‌های فرعی وجود دارد که به آنها اشاره می‌شود:

- بهتر است اسم جنس و انواع آن در قسمت علم بیان شود؛ چرا که تمامی اعلام، از یک اسم جنس گرفته می‌شوند.
- از آنجا که صفة مشبیه یعنی «مشبیه با اسم الفاعل» پس بهتر است ابتدا این مبحث بعد از اسم فاعل و مبالغه آورده شود سپس اسم مفعول بیاید.
- بهتر است علامات التأیث قبل از انواع تأیث بیاید.

## ۲.۵ منابع

### ۱.۲.۵ میزان اعتبار منابع

مجموعه منابع علمی که محقق در تحقیق خود به آنها استناد می‌ورزد، از مهمترین معیارهای درستی و کیفیت تحقیق به شمار می‌آیند. پس اگر منابع از آن دسته منابع معتبر و صادق و یا از نسخه‌های خطی کمیاب باشند، تحقیق از ارزش علمی بالایی برخوردار خواهد بود. (عابدین: ۱۸ و محمدنژاد عالی‌زمینی ۱۳۹۱: ۱۹۰)

در کتاب مذکور، نویسنده محترم منابع اصلی و مهم صرف و نحو نظیر کتاب المغنی، الکتاب، شرح رضی، أوضح المسالک، النحو الوافی، شرح شافیه، و شذور الذهب را در فهرست منابع نام برده است اما آنچه در متن کتاب به آن ارجاع داده شده است تنها منابع زیر می باشد که به تعداد ارجاعات آنها نیز اشاره شده است:

صرف ساده: ۱۱ بار، شرح ابن عقیل: ۳ بار، صرف ۱: ۱۱ بار، مبادئ العربیه: ۹ بار، معجم القواعد العربیه: ۹ بار، الجدید فی الصرف و النحو: ۲ بار، مغنی اللیب: ۱ بار، البهجه المرضیه: ۳ بار، الکتاب: ۱ بار، النحو الوافی: ۱۴ بار، قطر الندی: ۱ بار، شرح قطر الندی: ۱ بار، مباحث فی علم الصرف: ۱ بار، حاشیه الصبیان: ۱ بار، جامع المقدمات: ۲ بار، شذا العرف فی فن الصرف: ۱ بار.

در شرح برخی مفردات از کتاب‌هایی همچون: المعجم الوجیز: ۸ بار ارجاع، المعجم العربی الأساسی: ۱ بار ارجاع، المنجد: ۱ بار ارجاع، المصباح: ۲ بار ارجاع، الرائد: ۱ بار ارجاع، استفاده شده است که از منابع اصلی و مهم نیستند.

### ۲.۲.۵ دقت در استنادات و ارجاعات

برای ارجاعات انواع مختلفی وجود دارد و یک محقق حق دارد که خودش روش مورد نظر را انتخاب کند، به شرط آنکه خواننده به راحتی از آن مطلع گردد و هر زمان که محقق یک روش را انتخاب کرد لازم است که در تمام مراحل تحقیق نسبت به آن پایبند باشد. (ابوسلیمان ۱۳۸۷: ۱۵۰) ارجاعات این کتاب متأسفانه با آشفتگی بسیار روبه رو است که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

- در برخی ارجاعات تنها به نام کتاب و صفحه اکتفا شده است و در برخی موارد نام نویسنده نیز اضافه شده است صص ۸۸، ۱۱۰، ۹۰، ۱۰۷



بررسی انتقادی کتاب صرف ۲ با رویکرد تحلیل توصیفی (زهره قربانی مادوانی) ۳۸۱

- در برخی ارجاعات ابتدا اسم نویسنده آمده است سپس اسم کتاب و در برخی موارد، اسم کتاب مقدم می‌شود. صص ۱۱۱، ۱۱۹، ۱۱۸، ۱۲۰
- در برخی ارجاعات ابتدا اسم کتاب سپس اسم نویسنده با حرف جر لام آمده است: ص ۱۸۶
- برخی ارجاعات به جای پاورقی، در متن کتاب آمده است: صص ۱۲۲، ۱۸۳
- در برخی ارجاعات بین اسم نویسنده و نام کتاب از علائم نگارشی استفاده می‌شود و در برخی موارد از این علائم استفاده نمی‌شود: صص ۱۶۳، ۱۷۰

### ۳.۲.۵ رعایت امانت

نویسنده محترم کوشیده است تا امانت در منابع رعایت شود اما احیانا به مواردی برمی‌خوریم که مطالب سهوا بدون هیچ‌گونه ارجاعی آمده‌اند. ص ۲۶ مبحث مربوط به جمع الکثره، صص ۳۹ تا ۵۳ مبحث تصغیر و نسبه در درس‌های پنجم و ششم، ص ۶۲ پاورقی شماره ۶، ص ۷۹ مبحث مربوط به فرق بین اسم الفاعل و الصفه المشببه، ص ۸۰ پاورقی شماره ۵، ص ۸۱ پاورقی شماره ۳، ص ۱۰۹ پاورقی شماره ۱، ص ۱۱۰ پاورقی شماره‌های ۱ و ۴، ص ۱۱۱ پاورقی شماره ۳، ص ۱۱۶.

همچنین متون استفاده شده در تمارین، به منبعشان ارجاع داده نشده است مثلا وصیة الإمام علی (ع) در ص ۱۳۷ و یا متون ص ۱۸۸.

و چندین مورد نیز از کتاب مبادئ العربیة گرفته شده است ولی اشاره‌ای به آن کتاب نشده است:

ص ۱۰۸ پاورقی شماره‌های ۱ و ۲ و ۳ که دقیقا از صص ۱۰۱ و ۱۰۲ جلد ۴ کتاب مبادئ العربیة گرفته شده است، صص ۱۴۲ و ۱۴۳ و ۱۴۴ در بیشتر موارد مثال‌ها و توضیحات با کتاب مبادئ العربیة تشابه دارد، ص ۱۴۴ پاورقی شماره ۲ از مبادئ العربیة گرفته شده است، ص ۱۵۷ مبحث اسماء الشرط و الاستفهام با کمی تغییر در مثال‌ها از کتاب مبادئ العربیة گرفته شده است، ص ۱۸۶ پاورقی شماره ۲ و ص ۱۶۲ پاورقی شماره ۱ از کتاب مبادئ العربیة گرفته شده است. گاهی از دو فعل «قیل و یقال» استفاده شده است و نویسنده محترم به منبع آن اشاره نکرده است: ص ۵۹ پاورقی شماره ۲ و ص ۴۲ پاورقی شماره ۲.

### ۳.۵ کیفیت تجزیه و تحلیل و بررسی علمی

در مورد تجزیه و تحلیل علمی مسائل اگر با این پیش‌فرض به آن نگاه کنیم که برخی مطالب برای مخاطب مشخص است و یا بر عهده استادی است که این کتاب را تدریس خواهد کرد، لذا نمی‌توان بر نویسنده محترم خرده گرفت که چرا برخی مباحث را بازنگرده‌است و مورد تجزیه و تحلیل قرار نداده است. از جمله مواردی که مورد تجزیه قرار نگرفته است:

ص ۱۹ دو وزن فعول و فعیل که از اوزان مشترک مذکر و مؤنث هستند هیچ توضیحی راجع به اینکه این دو وزن با چه شرایطی مشترک به حساب می‌آیند، داده نمی‌شود، در مورد مباحث مشترک بین صرف و نحو توضیحی‌ای راجع به اینکه هدف از جمع این موارد مشترک چیست و بر چه اساس انتخاب شده‌اند، داده نمی‌شود، ص ۱۳۵ در مورد اتصال نون توکید به فعل مضارع و اینکه چه صیغه‌های با آن نون، مبنی می‌شوند توضیحی ارائه نشده‌است.

در مورد نقد آراء باید گفته شود که نویسنده محترم نظردو گروه مخالف کوفی و بصری و یا دیگران را بیان می‌کند اما آن آراء را مورد نقد قرار نمی‌دهد. مثل پاورقی شماره ۲ ص ۱۹۱، پاورقی شماره ۴ ص ۱۹۰، پاورقی شماره ۲ ص ۱۷۱، پاورقی شماره ۲ ص ۱۳۵، پاورقی شماره ۲ ص ۱۹۱

یا به الفاظی همچون «علی القول الأصح، يقال، علی الرأی المشهور، علی الرأی القوی» بسنده می‌کند و دلیلی ذکر نمی‌کند.

علی القول الأصح: پاورقی شماره ۱ ص ۱۲

يقال: پاورقی شماره ۲ ص ۴۲

علی الرأی المشهور: پاورقی شماره ۲ ص ۸۹

علی الرأی القوی: پاورقی شماره ۳ ص ۸۱

### ۴.۵ میزان دقت در کاربرد اصطلاحات تخصصی

اصطلاحات تخصصی صرف در تمام صفحات کتاب به چشم می‌خورد که همه در پاورقی و یا در متن توضیح داده شده است. مثلاً اسم الجمع و توضیح آن در ص ۱۷ و یا باب

سنون و توضیح آن در ص ۲۰ آمده است و اسم الأصوات نیز در ص ۱۳۶ در پاورقی به همراه توضیح آمده است.

اما به مواردی برمی‌خوریم که نویسنده محترم تنها به ذکر آن اصطلاحات می‌پردازد و توضیحی درباره آنها نمی‌دهد مثل ترکیب مزجی و اسنادی در ص ۴۴ که فاقد هرگونه توضیحی است و مخاطبی که به این دو اصطلاح آشنا نباشد باید تا ص ۱۰۸ صبر کند تا مفهوم آن دو را دریابد و یا نکره موصوفه در ص ۱۰۲ بدون توضیح است و یا ال الجنسیه أو الحضوریه در ص ۱۱۱ نیز توضیحی ندارد.

## ۵.۵ نوآوری و نظریه علمی

بحث درباره نوآوری و نظریه علمی، نسبی است؛ چرا که ممکن است موضوعی برای فردی جدید باشد اما برای صاحب نظران و پژوهشگران این حوزه، جدید به حساب نیاید. در این کتاب، بحث جدیدی که مطرح شده است، باز کردن مبحث مشترک بین دو علم صرف و نحو است که بهتر بود نویسنده محترم موارد مشترک صرف و نحو را بر می‌شمرد و دلیل آن را ذکر می‌کرد؛ از آن جهت که نمی‌توان دلیلی برای برشمردن شرط و استفهام و کنایه که از مباحث مشترک باشد، پیدا کرد و به نظر می‌آید خیلی از مباحث دیگر نیز می‌تواند در کنار این موضوعات قرار گیرد مثل اشاره، موصول، اسم فعل، ضمیر و ...

## ۶.۵ نحوه به کارگیری مؤلفه‌های صوری برای تفهیم موضوع

در مورد نقصان مؤلفه‌های جامعیت صوری باید اذعان داشت که علی‌رغم تلاش‌های نویسنده محترم هنوز برخی نواقص در این زمینه به چشم می‌خورد برای نمونه، عناوین فرعی، عناوین فرعی در یک تحقیق، مهم و ارزشمند هستند، چون مجموعه بخش‌های فکری و مقاطع مؤثر در موضوع را در بردارند و در وضوح موضوع سهیم هستند و بر درک و فهم محقق و عقلانی بودن کار تنظیم وی دلالت دارند همینطور اگر عناوین فرعی بسیار باشند نه تنها بر ظاهر کتاب تأثیر منفی می‌گذارند بلکه ممکن است باعث آشفتگی و پریشانی فکر خواننده نیز بشوند. (ابوسلیمان ۱۳۸۷: ۱۴۹) در این کتاب نیز وجود عناوین فرعی بسیار که در هر درس به صورت یکجا ذکر نشده است و برخی از آن عناوین با توضیحات زیاد همراه است و خود نیز دارای ریز عنوان‌های دیگر است باعث شده است

تا مخاطب برای یافتن تمامی عناوین فرعی دچار سردرگمی شود و بعضاً نتواند همه را در ذهن خود بسپارد و بین آنها تفکیک قائل شود.

از دیگر موارد، استفاده نکردن از کادر، نمودار، جدول و تصویر است. در واقع این علائم در نوشته تحقیقی به قصد زینت متن فراهم نمی‌شوند، بلکه با هدفی مشخص مورد استفاده قرار می‌گیرند و مجرایی برای ایجاد ارتباط‌اند. اینکه می‌گویند ارزش یک تصویر برابر هزار کلمه است، به این دلیل است که هر تصویر انبوهی از اطلاعات را با بیانی ساده و موجز ارائه می‌دهد. خزانه‌ای از اطلاعات فشرده است که گاه ظرفیتی بیش از نوشته دارد. امکانات تصویری نه تنها ما را از بیان دوباره مطالب در قالب کلمات بی‌نیاز می‌کند، بلکه گاه انتقال اطلاعات به جز از طریق تصویر ممکن نیست. (حری ۱۳۸۵:

۱۲۶)

اما از امتیازات این کتاب تمارینی است که در پایان هر درس چه به صورت تستی و چه تشریحی آمده است که خود کمک زیادی به خودآزمودن مخاطب نسبت به هر مبحث می‌کند.

## ۷.۵ میزان سازواری محتوای علمی با فرهنگ اسلامی و پاسخ به فضای علمی جامعه

تا حد قابل ملاحظه‌ای مثال‌های کتاب از آیات قرآن کریم و جملات نهج البلاغه استفاده شده است. به نظر می‌آید انتظاری که از درس صرف می‌رود این باشد که حداقل دانشجو بتواند با همین ماده درسی نیز اعجاز قرآن کریم در زمینه صرف را کشف کند و تفاوت ادبی قرآن و نهج البلاغه را در زمینه صرف با دیگر کتب ادبی دریابد و این کتاب با شناساندن قالب‌ها و ساختارهای اسم به قراءت صحیح اسم‌ها در قرآن و ... کمک می‌کند اما به تفاوت معنایی آن قالب‌ها در آیه‌های مختلف قرآن کمکی نمی‌کند یعنی کم پیش می‌آید که دانشجو پس از گذراندن این درس و خواندن این کتاب بتواند چرایی استخدام قالب‌های مختلف اسم در جایگاه‌های مختلف و بافت‌های گوناگون را کشف کند. البته ناگفته نماند که این ایراد، تنها به این کتاب وارد نیست بلکه تمام کتب صرفی با این مشکل روبه‌رو هستند و شاید توقع زیادی باشد که به چنین مواردی از تفاوت معنایی اشاره شود ولی ذکر چند مورد ساده کمک بسیاری به علاقه دانشجو می‌کند و به چرایی ذهن او که هدف از خواندن این درس به صورت کاربردی چیست؟ پاسخ می‌دهد. برای

نمونه وزن «فَعَالَى» یکی از ساختارهای صرفی به شمار می‌آید که قرآن کریم در راستای تاکید بر وجوب یتیم‌نوازی و هماهنگی با بافت، آن را استعمال کرده است. از نظر قرآن برهمگان لازم است تا در تعاملات اجتماعی، یتیمان را مورد احترام قرار دهند و شخصیت آنان را صیانت کنند و نمی‌بایست فقدان پدر را به عنوان ضعف و حقارت ارزیابی نمایند و نسبت به یتیمان رفتاری تحقیرآمیز نمایند و از تکریم آنان غافل شوند. از جمله آیاتی که بر تکریم یتیمان و برخورد مهربانانه با آنها تاکید دارد، آیه ذیل است:

(وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَاِحْوَانُكُمْ... (بقره: ۲۲۰) با تامل در قواعد دستوری زبان عربی، می‌توان ادعا کرد که شکل ساخت واژی/تصریفی واژه "یتامی" به طرز شگرف، معنای عطف و یتیم‌نوازی را به خواننده عرضه می‌دارد.

واژه "یتیم" در زبان عربی، به دو صورت جمع بسته می‌شود: حالت اول جمع تکسیر (قلت (ایتام) بر وزن "أفعال" و حالت دوم جمع تکسیر کثرت بر وزن "فَعَالَى"، (یتامی) (جوهری ۱۳۷۶: ۲۰۶۴/۵).

گفتنی است جمع قلت این واژه در کلام مجید به کار نرفته است بلکه خداوند در حالت جمع فقط به "یتامی" تعبیر نموده؛ بی‌تردید علت این امر را باید در معنایی جست که وزن "فعالی" بر آن دلالت دارد.

بنا به گفته سیبویه (۱۹۷۷: ۲۱۳/۲)، این وزن به واژگانی اختصاص دارد که بر آفت و بلا و درد دلالت می‌کنند، مانند "سَکَارَى" (مستان)، "أَيَامَى" (=بیوگان)، "حَذَارَى" (=محتاطان)، "وَجَاعَى" (=دردمندان) و... بی‌شک تکرار حرف "الف" که «تولیدکننده استمرار و امتداد» (ناصر ۲۰۱۷: ۱۴۲؛ کشمیری ۱۳۹۵: ۹۰) است، استمرار درد و میزان آن را افزایش می‌دهد.

طبق اصول زبان‌شناختی عربی وجود حرف "الف" در وزن یک کلمه، نوعی مبالغه و کثرت را در معنای آن وزن القا می‌کند، زیرا دهان به‌هنگام تلفظ این حرف بیشترین گشودگی را دارد و بی‌شک بر اساس غریزه انسان، گشودگی دهان مفهوم بزرگی را به ذهن تداعی می‌کند مانند آن که در هنگام تعجب دهان باز می‌شود (همان: ۳۶).

براین اساس، کاریست جمع "یتیم" بر وزن "فعالی" مفید آن است که خداوند در جای جای کلام آسمانی قرآن، واژه‌ای سرشار از بار عاطفی را درباره یتیمان به کار گرفته است و با گزینش این واژه درصدد آن بوده تا احساسات خوانندگان را در تعامل با این افراد برانگیزاند.

## ۸.۵ میزان انطباق و جامعیت اثر

محتوای کتاب کاملاً منطبق با عنوان آن است و هر دانشجوی عربی و غیر عربی که درس عربی را می‌گذرانند بر این امر واقف است که عنوان صرف ۲ مختص اسم و تحلیل صرفی آن است. اما به مواردی برمی‌خوریم که با عنوان کتاب انطباق ندارد از جمله اعراب ممنوع من الصرف و عمل نحوی اسم تفضیل و ...

محتوای کتاب تا حد قابل ملاحظه‌ای با اهداف درس که آشنایی با اسم و اقسام آن است جامعیت دارد. فقط هدفی که از قلم افتاده است، درک معانی اسماء است. ای کاش که نویسنده محترم تا آنجا که ممکن بود به تفاوت معنایی قالب‌ها و ساختارهای مختلف اسم اشاره می‌کرد. در مورد تعداد صفحات باید گفت از آنجا که این کتاب در بردارنده تمامی مباحث مربوط به صرف ۲ و ۳ است در نتیجه ۲۳۰ صفحه برای ۴ واحد در صورتی که در کنار آن تمارین و سؤالات اضافه کار شود، متناسب است.

همچنین مباحث این کتاب دقیقاً با مبانی و پیش‌فرض‌های مورد قبول صرفی، مطابقت و هماهنگی دارد فقط یک مورد است که محتوایی بر خلاف آنچه مورد قبول مبانی صرفی است، ارائه شده است:

مثنی کردن و جمع مؤنث بستن اسم ممدود در صورتی که منقلبه باشد به دو صورت جایز است؛ یا همزه، به همان شکل خود باقی بماند و یا به واو تبدیل شود که در تمام کتب صرفی این قانون گفته شده است اما در این کتاب آمده است به واو و یا یاء تبدیل می‌شود. ص ۱۲

برخی مباحث این کتاب، باید در بخش فعل (صرف ۱) ذکر می‌شده است: مثل همزه وصل و اشتقاق و اقسام آن و دیگر موضوعات مطرح شده در درس ۲۴ پیوست دوم و اسم الفعل و برخی نیز که در کتاب صرف ۱ ذکر شده است باید در بخش اسم و در همین کتاب آورده می‌شده است: مثل اقسام مصدر میمی، مره، نوع، اسم المصدر.

## ۶. پیشنهادات

در این قسمت در کنار پیشنهاداتی که در این نوشتار گذشت مواردی نیز در جهت هر چه بهتر شدن کتاب در چاپ‌های بعدی ارائه می‌شود:

۱. طرح جلد: پیشنهاد می‌شود عناوین صرفی روی جلد با عناوین پشت جلد متفاوت باشد تا هر دو بتوانند گویای تمام محتوای کتاب باشند و خواننده با نگاه به جلد، تمام محتوای آن را دریابد.
۲. صفحه‌آرایی کتاب: بهتر است در تمامی صفحات کتاب از bold و یا در صورت امکان از جدول و نمودار و یا هر چیزی که کتاب را از حالت روزنامه در آورد.
۳. عناوین فرعی: به علت زیاد بودن عناوین فرعی در برخی دروس، بهتر است آن عنوان‌های فرعی و زیر مجموعه‌هایش در ابتدا یک جا آورده شوند سپس به صورت مجزا توضیح و شرح داده شوند.
۴. هماهنگی و نظم در ارجاعات: بهتر است ارجاعات در همه صفحات کتاب یک‌دست شود.
۵. جابه‌جایی برخی مطالب:
  - پیشنهاد می‌شود انواع مصدر در قسمت جامد و مشتق بیاید و مبحث معرب و مبنی فعل به صرف ۱ منتقل شود.
  - از آنجا که مباحث کتاب بر اساس تحلیل صرفی اسم آمده است بهتر است با تغییر جزئی به نظم و انسجام آن کمک شود اینکه درس ۵ و ۶ (تصغیر و نسبت) بعد از جامد و مشتق و درس ۱۸ (صحیح‌الآخر، مقصور، ممدود و منقوص) قبل از درس ۱۷ (منصرف و غیرمنصرف) بیاید.
  - بهتر است اسم جنس و انواع آن در قسمت علم بیاید.
  - از آنجایی که صغه مشببه یعنی «مشببه باسم الفاعل» پس بهتر است ابتدا این مبحث بعد از اسم فاعل و مبالغه توضیح داده شود.
۶. اسم کتاب و نویسنده آن: بهتر است عنوان کتاب و اسم نویسنده عربی شود.
۷. تشریحی آمدن جواب تست‌ها: برای یادگیری بیشتر بهتر است تست‌ها به صورت تشریحی جواب داده شوند.
۸. حذف: از آنجایی که عمل مشتقات مربوط به علم نحو است بهتر است عمل اسم تفضیل حذف شود و یا به اعراب ممنوع من الصرف اشاره نشود.
۹. هماهنگی در کاربرد علائم نگارشی
۱۰. هماهنگی در اعراب و جنس و نوع شماره اعداد در صفحات آغازین کتاب

۱۱. در مورد حذف عائد منصوب بهتر است بین ضمیر متصل و منفصل تفاوت قائل شد همچنین در مورد عائد «من» در صورتی که ابهام ایجاد کند، نیز توضیحاتی آورده شود.

۱۲. تمارین: بهتر است به سؤالات تشریحی، سؤال «تصحیح الأخطاء» و متون نیز اضافه گردد؛ چرا که یکی از مشکلات عمده دانشجویان در درس صرف و نحو رویارویی با سؤال «تصحیح الأخطاء» و متن است. تا وقتی که کلمه خارج از متن باشد برایشان آسان است اما به محض اینکه در متن قرار گیرد در جواب به آن دچار مشکل می‌شوند.

۱۳. معنا: پرداختن به معنا و بیان نکات ظریف معنایی موجود در قالب‌های صرفی از اهمیت و جایگاه والائی برخوردار است. بنابراین پیشنهاد می‌شود حتی المقدور به این تفاوت‌های معنایی در دروس کتاب اشاره شود.

## ۷. نتیجه‌گیری

در مورد تحلیل شکل و محتوای کتاب حاضر می‌توان به امتیازات شکلی و محتوایی کتاب به مواردی همچون bold کردن و با خط درشت نوشتن عناوین اصلی در هر درس، ذکر عنوان درس‌ها در تمامی صفحات، آوردن عناوین اصلی در روی جلد، چارچوب مشخص هر درس، بهره‌گیری از قیاس منطقی در آوردن ترتیب درس‌ها، آوردن تمارین به صورت تشریحی و تستی در پایان هر درس، انطباق محتوای کتاب با عنوان و فهرست آن و... اشاره کرد و کاستی‌هایی چون استفاده نکردن از کادر و نمودار و جدول، بیان نکردن هدف و روش کتاب در مقدمه، وجود تعداد بی‌شمار غلط‌های تایپی، صرفی و نحوی، نگارشی و محتوایی، بی‌دقتی در بیان مطالب، عدم ارائه ساختار علمی نو و... نام برد.

همچنین باید اشاره کرد که محتوای این کتاب نیز همچون دیگر کتاب‌های صرفی است با این تفاوت که برخلاف آن کتاب‌ها، همه مسائل و قواعد صرفی را پوشش داده است و در ترتیب دروس نظم و انسجام دارد. یک تفاوت مهم نیز بین این کتاب و کتاب صرف کاربردی، آموزش پیشرفته دانش صرف وجود دارد، اینکه کتاب صرف کاربردی همانگونه که از اسمش مشخص است بر کاربرد این علم بسیار تأکید شده است و این امر با شاهد مثال‌های بسیار از قرآن کریم و تفاوت‌های معنایی و ارائه قواعدی مشابه از دستور زبان فارسی و قرار دادن در کنار قواعد عربی توانسته است روشی نوین در آموزش قواعد ابداع کند. اما متأسفانه این کتاب، فاقد این محتوا و تمارین کاربردی است.



## کتابنامه

### القرآن الکریم

- ابن الرسول، سید محمدرضا؛ صفیان، الهه (۱۳۹۶). «بررسی و نقد بخش صرف کتاب صرف و نحو عربی»، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال هفدهم، شماره ۱، صص ۱-۲۲.
- ابوسلیمان، عبدالوهاب ابراهیم (۱۳۸۷). روش تحقیق علمی به زبان عربی، ترجمه: محمدباقر حسینی و ملیحه طوسی، چاپ اول، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- اتسلندر، پیتر (۱۳۷۱). روش‌های تجربی تحقیقی در علوم اجتماعی، ترجمه بیژن کاظم زاده، تهران: استان قدس.
- پاشاشریفی، حسن و نسترن شریفی (۱۳۸۳). روش تحقیق در علوم رفتاری، تهران: سخن.
- پاشازانوس، احمد (۱۳۹۴). صرف ۲، چاپ اول، تهران: پیام‌نور.
- التونجی، محمد (۱۹۸۶). المنهاج فی تألیف البحوث و تحقیق المخطوطات، الطبعة الأولى، حلب: دارالملاح.
- جمالی فر، مهدی و سید یاسر قزوینی حائری، تاریخ، تحلیل گفتمان و تحلیل محتوا، پایگاه پیشینه، گروه عبرت پژوهی تاریخی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶). الصحاح، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایین.
- جاوا فرانکفورد، دیوید (۱۳۸۱). روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی، ترجمه فاضل لارجانی و رضافاضلی، تهران: سروش.
- حری، عباس (۱۳۸۵). آیین نگارش علمی، چاپ چهارم، تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور.
- حسن مرادی، ن (۱۳۸۸). تحلیل محتوای کتاب درسی، تهران: آبیژ.
- دوحان، عبدالکریم ابراهیم (۲۰۰۹). منهج البحث التاريخي و الأدبی، الطبعة الأولى، القاهرة: مؤسسة المختار.
- ذاکری، مصطفی (۱۳۸۸). عیار نقد، تهران: مؤسسه خانه کتاب.
- الراجحی، عبده (۲۰۰۹). التطبيق الصرفی، بیروت: دارالنهضة العربية.
- رایف، دانیل، استیفن لیسلی و دیگران (۱۳۸۵). تحلیل پیام‌های رسانه‌ای، ترجمه مهدخت بروجردی علوی، تهران: سروش.
- رضی، احمد (۱۳۸۸). «شاخص‌های ارزیابی و نقد کتاب‌های درسی دانشگاهی». سخن سمت، شماره ۲۱، صص ۲۱-۳۰.
- السامرائی، فاضل صالح (۲۰۱۳). الصرف العربي، أحكام و معان، بیروت: دار ابن کثیر.
- سیبویه، عمرو بن عثمان (۱۹۷۷). الكتاب. تحقیق عبدالسلام محمد هارون، الرياض: عالم الكتب للطباعة.
- شلبی، احمد (۱۹۷۴). كيف تكتب بحثا أو رسالة، الطبعة الثامنة، القاهرة: مكتبة النهضة المصرية.
- طباطبائی، محمدرضا (۱۳۸۵). صرف ساده، تهران: دارالعلم.
- عابدین، عبدالمجید. مزالق فی طریق البحث اللغوی و الأدبی و توثیق النصوص، دارجامعة الخرطوم.

۳۹۰ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال بیست‌ویکم، شماره دوم، اردیبهشت ۱۴۰۰

- عبداللهیان، حمید و تقی آزاد ارمکی (۱۳۹۴). «تحلیل انتقادی کتاب‌های مبانی جامعه‌شناسی در ایران»، پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۳۶، صص: ۱-۲۷.
- فقهی‌زاده، عبدالهادی (۱۳۹۵). آموزش صرف عربی، چاپ سوم، تهران: سمت.
- الفیضی، عبدالقادر؛ الدارمی، عبدالله (۲۰۱۶). تیسیر الصرف، مجلس التعليم الإسلامی کیرالا.
- قاندی، محمدرضا و علیرضا گلشنی (۱۳۹۵). «روش تحلیل محتوا از کمی گرائی تا کیفی گرائی»، مجله روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، سال هفتم، شماره ۲۳، صص ۵۷-۸۲.
- کشمیری، عبدالرسول (۱۳۹۵). صرف کاربردی، آموزش پیشرفته دانش صرف، چاپ دوم، ج ۱ و ۲.
- کشمیری، شیخ عبدالرسول (۱۳۹۵). نوآوری‌های صرفی در صرف کاربردی، قم: نصاب.
- محمدنژاد عالی‌زمینی، یوسف (۱۳۹۱). شیوه‌نامه پژوهش و نگارش علمی. چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مشکین‌فام، بتول (۱۳۸۸). البحث الأدبی مناهجه و مصادره، چاپ چهارم، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- معروفی، یحیی و محمدرضا یوسف‌زاده (۱۳۸۸). تحلیل محتوا در علوم انسانی (راهنمای عملی تحلیل کتاب‌های درسی) همدان: سپهر دانش.
- میمندی، وصال؛ خبازی اشرف، نعیمه (۱۳۹۴). «الصرف ۱ در ترازوی نقد»، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، دوره ۱۵، شماره ۱، صص ۱-۱۹.
- ناصر، عبدالمنعم (۲۰۱۷). شرح صوتیات سیبویه، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- نعمتی قزوینی، معصومه و رخشنده نیا، سیده اکرم (۱۳۹۱). «نقد کتاب صرف ساده»، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال دوازدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۱۲۷-۱۳۷.
- نیک‌منش، سعید و خدیجه علی‌آبادی (۱۳۹۲). «نقش تحلیل محتوا در فرایند آموزش و طراحی کتاب‌های درسی»، مجله جهانی رسانه، دوره ۸، شماره ۲، صص ۱۲۴-۱۵۰.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی